

## خلافت عباسیان (۱۳۲-۶۵۶ ه.ق)

### مقدمه

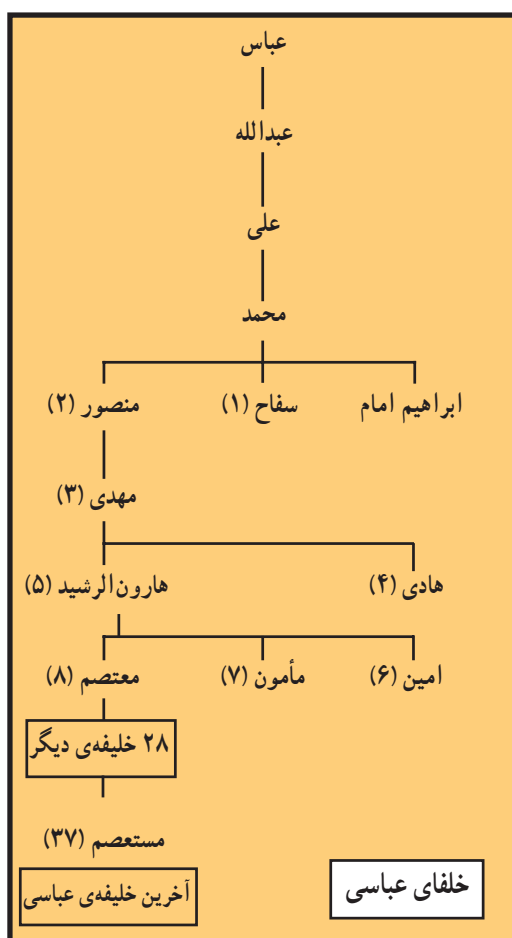
در درس گذشته با تحولات عصر امویان آشنا شدید. در این درس تحولات عصر خلافت عباسیان را می‌خوانید و با مباحثی مانند چگونگی استقرار و تثبیت خلافت عباسی و نقش ایرانیان در این مسأله، عوامل رونق و شکوفایی تمدن اسلامی، نقش امامان شیعه در توسعه و تکوین فرهنگ و تمدن اسلامی و سرانجام خلافت عباسیان آشنا خواهید شد.

### شکل‌گیری خلافت عباسیان

نخستین خلیفه‌ی عباسی ابوالعباس سفاح در سال ۱۳۲ ه.ق در مسجد کوفه رسماً بر مسند خلافت نشست. او در اولین خطبه‌ی خود با بیان انحراف امویان از تعالیم اسلام و یادآوری نسبت خویشاوندی عباسیان با پیامبر(ص)، کوشید تا حقانیت خلافت جدید را توجیه نماید. سفاح از مردم خواست که خدا را به جهت استقرار دولت عباسی در سرزمین‌های اسلامی شکرگزار باشند. دوران حکومت چهارساله‌ی او عمدتاً به تلاش برای استقرار خلافت عباسیان و سرکوب بقایای امویان و وابستگان آنان گذشت؛ اما برادرش منصور، دومین خلیفه‌ی عباسی، طی بیست سال حکومت خود با شکست رقیبان و مخالفان، پایه‌های دولت عباسیان را مستحکم ساخت. ۳۵ خلیفه بعدی همگی از نسل او هستند.

اصلی‌ترین تهدیدهایی که در دوره‌ی زمام‌داری منصور متوجه خلافت عباسی بود و با خشن‌ترین شیوه سرکوب و مهار شد، عبارت بود از:

۱- ادعای خلافت تعدادی از اعضای خاندان عباسی: تمام این مدعیان از طریق تطمیع، تهدید و جنگ، تسلیم یا از صحنه خارج شدند.



۲- قدرت و نفوذ رو به ازدیاد ابومسلم خراسانی: وی یقیناً سهم زیادی در پیروزی عباسیان داشت. غرور و جاه‌طلبی سیاسی و نظامی ابومسلم و

گسترش محبوبیت و نفوذ اجتماعی او در میان ایرانیان، دو خلیفه‌ی اول عباسی، به ویژه منصور را سخت به وحشت انداخت. منصور در همان ابتدای خلافتش با خدعه سردار خراسانی را از هوادارانش جدا کرد و ناجوانمردانه به قتل رساند. قتل ابومسلم موجب شکل‌گیری قیام‌هایی با ادعای خونخواهی او گردید. این جنبش‌ها که بیش‌تر در شرق ایران بروز کرد تا مدت‌ها خلافت عباسی را به خود مشغول ساخت.

۳- جنبش‌های علویان: چون پس از سقوط امویان، به جای یکی از اهل بیت پیامبر(ص)، فردی از

خاندان عباسی بر مسند خلافت جلوس کرد، علویان که از نتیجه‌ی همکاری با عباسیان پشیمان شده بودند، در صدد برآمدند اعتراض و مخالفت خود را با خلافت جدید به شکل‌های مختلف نشان دهند. به رغم آن که عباسیان پیروزی خود را مدیون حمایت شیعیان بودند، اما منصور از ترس به خطر افتادن مقام و موقعیت خود و خاندانش، سرکوب قاطع و خونین این جنبش‌ها را در دستور کار خود قرار داد. سخت‌گیری شدید نسبت به ائمه(ع) و چهره‌های برجسته از خاندان امام‌علی(ع) و عموم شیعیان در بیش‌تر دوران حکومت عباسی ادامه یافت.

### بیش‌تر بدانید

عباسیان برای برخورداری از مشروعیتی که بتواند مردم را به همراهی با آنان متقاعد سازد، بیش از هر چیز نیازمند حمایت شخصیت‌های معتبر خاندان علوی به خصوص امام جعفر صادق(ع) بودند که در آن زمان امامت شیعیان را به عهده داشت. به همین دلیل به مذاکره و مکاتبه با ایشان و دیگر چهره‌های خوشنام از جمله برخی سادات حسنی مبادرت نمودند. امام صادق(ع) با فراست تمام دریافت که پیشنهاد همراهی عباسیان، تنها فریبی برای بهره‌برداری از موقعیت اجتماعی علویان است، و لذا نه تنها حاضر به هیچ نوع همکاری با آنان نشد که سایر سادات را هم از این امر بر حذر داشت؛ اما برخی از سادات از جمله عبدالله بن حسن مثنی و فرزندانش این هشدار امام را جدی نگرفتند. اینان بعد از تسلط عباسیان بر امور، تلاش کردند که بار دیگر به سازماندهی نیروهای خود پردازند، اما آن چنان که خواهید خواند با خشونت تمام سرکوب شدند.

### یک توضیح

بغداد، دهی از دهات تیسفون (مداین) و به معنی داده‌ی بغ (خداداد) بود. منصور در طرح نقشه‌ی شهر بغداد از نظر خالد بن برمک استفاده کرد و هنگامی که از او خواست برای این کار طاق کسری را ویران کند، خالد این کار را صلاح ندانست.

اداری نیرومندی تأسیس کرد که عمدتاً تقلیدی از سازمان اداری دولت ساسانی بود. در دوران خلافت منصور، دماوند و طبرستان فتح شد.

منصور در سال ۱۴۵ هـ.ق پایتخت عباسی را از هاشمیه که به کوفه، مرکز هواداران تشیع نزدیک بود، به بغداد انتقال داد. او به یاری خاندان ایرانی برمکی دستگاه



قلمرو مسلمانان در دوره‌ی بنی عباس

درايت خود و استفاده از تجربيات ديوانی و فرهنگي ايران نقش مهمی در پيشرفت امور داشتند. آنان سرانجام به سرنوشتی مشابه سرنوشت ابو مسلم دچار شدند و به دستور هارون به زندان افتادند و يا به قتل رسيدند.

در عهد خلافت هارون، روابط و مناسبات خارجي توسعه يافت و هيئت‌های نمايندگی از طرف چين و اروپا به بغداد آمدند. در اين دوره به تدريج نخستين حکومت‌های مستقل در شمال آفريقا شکل گرفت و سرزمين‌هایی از پيکره‌ی خلافت اسلامي جدا شد.

### خلافت مأمون (۱۹۸-۲۱۸ ه.ق) دوره‌ی جديدي از نفوذ و نقش آفريني ايرانيان

پس از مرگ هارون و بروز اختلاف بين دو پسر او - امين از مادري عرب و مأمون از مادري ايراني - شرايط سياسي و اجتماعي جديدي شکل گرفت. امين که در بغداد مستقر شده بود، بر نيروی سياسي - نظامي اعراب تكيه داشت و از سوی اکثر اعضای خاندان عباسي حمايت

### از هارون تا معتصم: دوران شکوفايي خلافت عباسي

مورخان اوج عظمت و شکوفايي خلافت عباسي را عصر هارون می‌دانند؛ گرچه خليفه سهم چندانی در آن عظمت و شکوفايي نداشت.

عوامل مؤثر در رونق و شکوفايي اقتصاد و فرهنگ در اين دوران را می‌توان در عوامل زير جست‌وجو کرد:

- ۱- ثبات سياسي و امنيت اجتماعي: مقدمات اين امر در دوران خلفای قبل فراهم شده بود و انتقال مستمر ثروت به مرکز خلافت عباسي آن را تقويت می‌کرد.
- ۲- برخورد اندیشه، فرهنگ و تمدن ملل و اقوام گوناگون: اين جريان در فضای عمومي فرهنگ اسلامي مجال ظهور و بروز يافت و موجب رشد و ارتقای سطح فرهنگ عمومي جامعه شد.

۳- درايت و کاردانی وزيران ايراني، به ويژه برمکيان: خاندان برمکی از اوایل تأسيس خلافت عباسيان پا به عرصه‌ی فعاليت‌های سياسي و اداري گذاشتند و با

امام رضا(ع) با فشار و تهدید ناچار به پذیرش ولایتعهدی خلیفه‌ی عباسی گردید. اما قبول این پیشنهاد را مشروط به آن کرد که در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و عزل و نصب‌ها دخالتی نداشته باشد. از یک سو هوشیاری و تدبیر امام مانع دستیابی مأمون به اهدافش شد و از سوی دیگر حضور امام رضا(ع) در ایران موجب آشنایی بیش‌تر ایرانیان با اهل بیت پیامبر(ص) گردید. به علاوه اقدام مأمون در نزدیک شدن به ایرانیان و انتصاب امام رضا(ع) به ولایتعهدی، اعتراض و خشم شدید خاندان عباسی را در بغداد برانگیخت. مأمون برای خروج از این تنگنا دست به اقدامات جدیدی زد:

- بار دیگر مقرر خلافت را از مرو به بغداد انتقال داد.
- در حین سفر به بغداد، مخفیانه دستور قتل فضل بن سهل، وزیر ایرانی خود را صادر کرد.
- پس از قتل سهل، در سناباد توس (که بعداً به مشهدالرضا معروف گشت) امام رضا(ع) را مسموم و شهید کرد (۲۰۳ هـ.ق).

### فکر کنید و پاسخ دهید:

به نظر شما، چرا امام رضا(ع) با شرایط فوق حاضر به پذیرفتن امر ولایتعهدی شد؟

### خلافت معتصم (۲۱۸-۲۲۷ هـ.ق)

خلافت معتصم آغاز دوره‌ای است که ترکان بر دستگاه خلافت عباسی غلبه یافتند. معتصم که مادرش ترک بود ترجیح داد به جای تکیه بر عرب‌ها یا ایرانیان، نیروی سومی را جایگزین آنان کند.

### فکر کنید و پاسخ دهید:

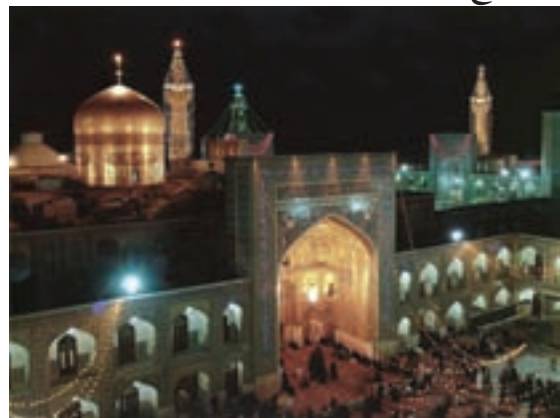
به نظر شما، چرا معتصم اتکا به ایرانیان یا عرب‌ها را به مصلح حکومت خود نمی‌دید؟

می‌شد؛ در مقابل، مأمون که مرو را پایگاه حکومت خود قرار داده بود، از پشتیبانی قاطع ایرانیان سود می‌برد. رقابت دو برادر و به تعبیری رقابت اعراب و ایرانیان جز به جنگ و خونریزی فیصله نیافت؛ لشکریان هوادار مأمون به فرماندهی سرداری از خطه‌ی خراسان به نام طاهر بن حسین بغداد را تسخیر کردند و امین را به قتل رساندند.

**مأمون و جنبش‌های شیعی:** خلفای عباسی پیش از مأمون برای مهار جنبش‌های شیعی، به ویژه قیام‌هایی که توسط سادات رهبری می‌شد از شیوه‌ی سرکوب نظامی استفاده می‌کردند. اما مأمون روش دیگری در برخورد با امامان شیعه در پیش گرفت. او با تزویر امام رضا(ع) را از مدینه به مرو دعوت و ولایتعهدی خود را به او پیشنهاد، بلکه تحمیل کرد. خلیفه با این اقدام امیدوار بود به هدف‌های زیر دست یابد:

- ۱- کسب امنیت بیش‌تر برای خلافت عباسی از طریق محدود کردن ارتباط امام رضا(ع) با مردم و به خصوص شیعیان.

- ۲- کسب مقبولیت برای خلافت عباسی به ویژه نزد علویان و سادات، از طریق مشارکت دادن امام در امور حکومتی و ممانعت از شکل‌گیری جنبش‌های آنان.
- ۳- جلب پشتیبانی بیش‌تر ایرانیان؛ زیرا مردم ایران گرایش و ارادت خاصی به خاندان پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) داشتند.



حرم حضرت امام رضا(ع)

روش ائمه (ع) در معارضه با قدرت‌های حاکم پس از فاجعه‌ی کربلا، رهبران علوی برای مقابله با قدرت‌های حاکم (اموی و عباسی) دو شیوه‌ی متفاوت در پیش گرفتند:

شیوه‌ی اول: گروهی از آنان مبارزات سیاسی قهرآمیز و جنبش‌های مسلحانه را برگزیدند. قیام زید از فرزندان امام سجاد (ع) در دوره‌ی اموی که به گونه‌ای دلخراش سرکوب گردید، از جمله‌ی این تلاش‌ها بود. همراهی سادات حسنی با عباسیان برای مبارزه با خلافت اموی نیز با همین هدف انجام گرفت. مبارزه‌ی قهرآمیز و مسلحانه علویان در دوره‌ی عباسی ادامه یافت، اما هرگز نتیجه مطلوبی کسب نکرد.

شیوه‌ی دوم: گروه دیگری از علویان به رهبری ائمه (ع) شیوه‌ی مبارزه‌ی فکری و فرهنگی را برگزیدند. دلایل آنان برای اتخاذ این شیوه عبارت بود از:

۱- بی‌نتیجه بودن جنبش‌های سیاسی نظامی در آن دوره؛ زیرا این جنبش‌ها به شکل خشونت‌آمیزی سرکوب می‌شدند و به سبب وحشت حاکم بر جامعه، امیدی به جلب پشتیبانی مؤثر مردم از این قیام‌ها وجود نداشت.

۲- ضرورت و نیاز مبرم جامعه اسلامی به فعالیت‌های علمی و فرهنگی، تشخیص چنین ضرورت و نیاز اساسی ناشی از دو مسئله بود:

الف) توسعه‌ی فتوحات از یک سو موجب افزایش سریع تعداد نو مسلمانانی شده بود که کمترین آشنایی با محتوای واقعی اسلام نداشتند و از سوی دیگر زمینه‌ی آمیزش عقاید اسلامی را با سایر اندیشه‌ها و فرهنگ‌ها از جمله افکار صوفیانه‌ی هندی و تفکرات فلسفی یونانی فراهم آورده بود.

ب) بی‌کفایتی حکومت‌ها در ساماندهی اوضاع فکری و فرهنگی جامعه، بلکه نقش مؤثر آن‌ها در نابسامانی‌های موجود، زمینه‌ی گسترش جعل حدیث، توسعه‌ی خرافات، اظهار نظر‌ها و تفاسیر غلط در مباحث دینی را فراهم آورده

و موجب مخدوش گردیدن چهره‌ی اصیل دین و سردرگمی مسلمانان شده بود.

در چنین شرایطی ائمه (ع) تلاش برای گسترش فرهنگ ناب اسلامی را بر مبارزه‌ی مسلحانه ترجیح دادند.

این حرکت در عصر اموی و دوره‌ی امام سجاد (ع) با ملایمت و به شکل غیر مستقیم در قالب دعا آغاز شد، پس از آن با تلاش‌های علمی امام باقر (ع) ادامه یافت و در عصر عباسی و دوره‌ی امامت امام صادق (ع) به اوج خود رسید. آموزش هزاران نفر از دانش‌پژوهان مشتاق به اندیشه‌ی متعالی اسلام توسط ائمه (ع) تأثیری عمیق بر نظام فکری جامعه گذارد و تحولی بنیادین را در تاریخ اسلام موجب گردید. بر اثر کوشش‌های علمی امام صادق (ع) نه تنها فقه شیعه به نهایت انسجام و جامعیت رسید و به نام ایشان (فقه جعفری) نامیده شد، بلکه سایر مذاهب بزرگ فقهی جهان اسلام نیز از حرکت علمی امامان شیعه تأثیر پذیرفتند؛ زیرا مؤسسين این مذاهب بی‌واسطه یا با واسطه شاگرد امام صادق (ع) معرفی شده‌اند.

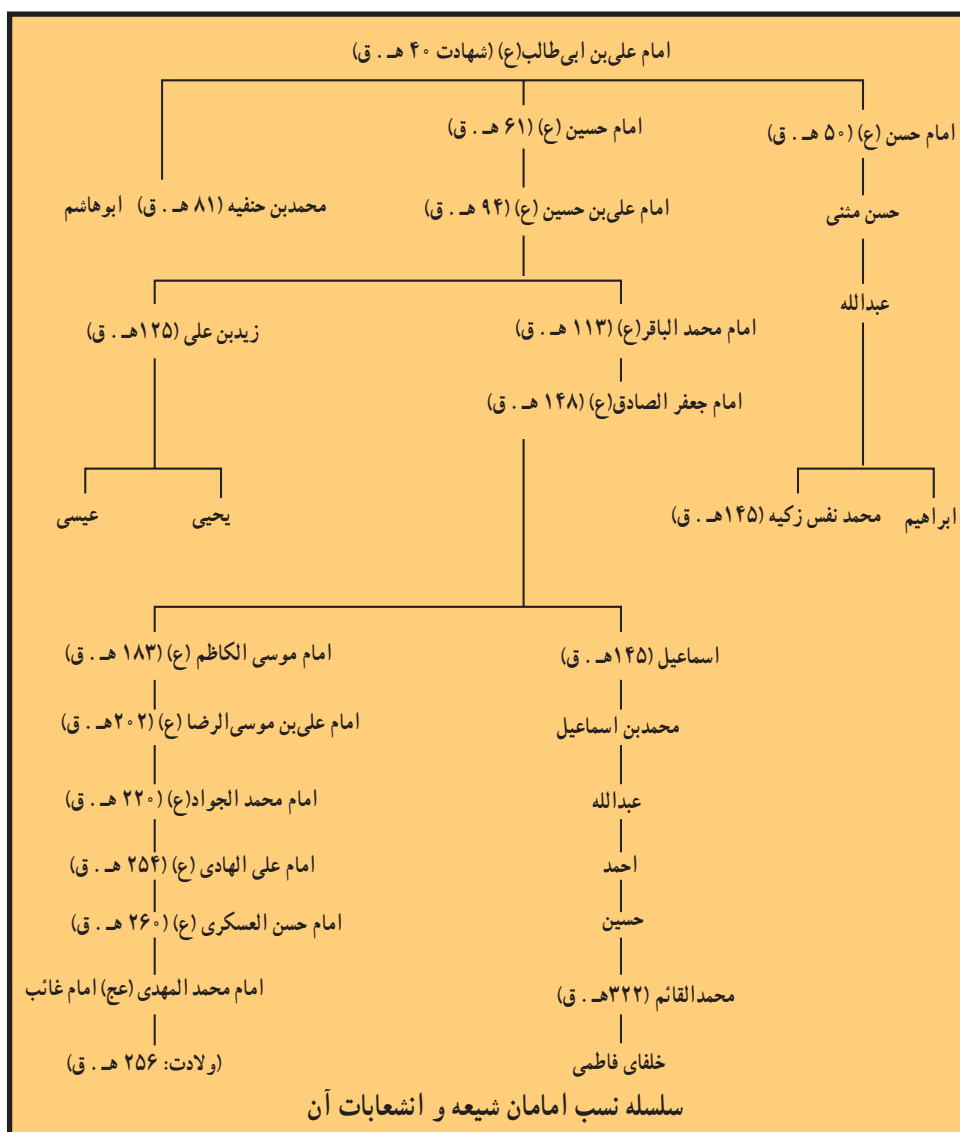
مکتب فقهی که امام جعفر صادق (ع) بنیان نهاد، بعدها توسط امامان بعدی استحکام و توسعه یافت. پس از امام جعفر صادق (ع)، رهبری و هدایت شیعیان را امام موسی بن جعفر (ع) بر عهده گرفت. امام به سبب کثرت زهد به «عبد صالح» مشهور بود و به واسطه‌ی حلم و فروخوردن خشم و صبر بر سختی و ناملایمات «کاظم» نامیده می‌شد؛ ایشان ضمن آموزش فرهنگ و علوم دینی و تربیت شیعیان، اسوه و نمونه‌ی عالی دینداری خالصانه و اخلاق والای انسانی بود. در نظر بسیاری از مردم، منزلت والای دینی و انسانی امام چنان بود که او را شایسته‌ی رهبری و خلافت مسلمانان می‌دانستند و همین امر موجب تشویش و نگرانی دستگاه خلافت عباسی شد تا جایی که خلفای معاصر وی (هادی و هارون) سال‌ها، امام را زندانی کردند. سرانجام، امام در سیاه چال زندان بغداد به شهادت رسید.

مهم‌ترین حادثه‌ی روزگار امام هشتم، امام رضا(ع) ماجرای انتصاب ایشان به ولایتعهدی مأمون بود که پیش از این درباره‌ی آن خواندید.

پس از شهادت امام رضا(ع)، امام جواد(ع) به امامت رسید. مأمون از طریق اجبار امام(ع) به اقامت در بغداد و نظارت و مراقبت شدید بر فعالیت‌های آن حضرت، مانع ارتباط امام(ع) با مردم و پیروانش گردید. به رغم این محدودیت‌ها امام(ع) گاه در بعضی مجالس و مناظرات شرکت می‌نمود و دامنه‌ی وسیع دانش دینی خود را به اندیشمندان عصر خود عرضه می‌کرد.

سال‌های امامت امام هادی(ع) که معاصر با دوران استیلای ترکان و دوران خلافت متوکل بود، از سخت‌ترین روزهای زندگی شیعیان بود. به دستور متوکل بارگاه امام حسین(ع) و دیگر شهدای کربلا ویران گردید و شیعیان مدتی از زیارت مرقد ایشان محروم شدند. او هم چنین امام هادی(ع) را به اقامت در سامرا وادار کرد. سرانجام امام هادی(ع) نیز به دستور معتز، خلیفه بعدی به شهادت رسید.

امام حسن عسکری<sup>۱</sup> نیز تحت مراقبت ویژه در فضای اختناق آمیز شهر سامرا قرار داشت. نگرانی دستگاه خلافت



## فکر کنید و پاسخ دهید:

چرا خلفای عباسی به ویژه متوکل تلاش می‌کردند از توجه مردم به بارگاه امام حسین (ع) بکاهند و مانع زیارت بارگاه آن حضرت شوند؟

در این دوران، امام مهدی (ع) از طریق چهار نایب خاص خود با شیعیان در ارتباط بود.  
۲- دوران غیبت کبری که از سال ۳۲۹ هـ.ق شروع شد و هنوز ادامه دارد.

## واپسین ایام خلافت عباسی

پس از معتصم، ۲۸ خلیفه‌ی دیگر از سلسله‌ی بنی‌عباس به خلافت رسیدند که غالباً ضعیف‌النفس و بازیچه‌ی دست غلامان ترک بودند. سلطه‌ی غلامان ترک در دربار خلافت، تجزیه و تفکیک قدرت سیاسی و دینی، پدید آمدن حکومت‌های رقیب مانند خوارزمشاهیان و اسماعیلیان در ایران و وقوع جنگ‌های صلیبی آخرین مشکلات و دشواری‌هایی بود که خلافت عباسی را دچار انحطاط کرد. سرانجام، هلاکوخان مغول برای گشودن دژهای اسماعیلیه و فتح بغداد به مغرب فرستاده شد. با سقوط بغداد و قتل آخرین خلیفه‌ی عباسی خلافت پانصد ساله‌ی عباسیان به پایان رسید (۶۵۶ هـ.ق).

در این زمان به دو جهت بود:

- ۱- فعالیت‌های علمی و آموزش‌های دینی امام و ارتباط وی با مردم.
  - ۲- تولد حضرت مهدی (ع)، منجی و موعود نجات‌بخش، که قبلاً پیامبر (ص) و امامان (ع)، ظهور ایشان را بشارت داده بودند.
- مورخان شیعه، تاریخ زندگی حضرت مهدی (ع) را به دو دوره تقسیم کرده‌اند:
- ۱- دوران غیبت صغری که از آغاز امامت آن حضرت در سال ۲۶۰ هـ.ق آغاز شد و تا سال ۳۲۹ هـ.ق ادامه داشت.

## پرسش‌های نمونه

- ۱- اصلی‌ترین تهدیدهای پیش روی عباسیان در دوران خلافت منصور از ناحیه‌ی چه کسانی بود؟
- ۲- تأثیر ایرانیان را بر تحولات تاریخی عصر هارون و مأمون عباسی توضیح دهید.
- ۳- هدف مأمون از نزدیک شدن به امام رضا (ع) چه بود؟
- ۴- امامان شیعه برای مقابله با تهدیدهایی که جامعه‌ی اسلامی پس از واقعه‌ی کربلا با آن روبرو بود چه اقدامی انجام دادند؟
- ۵- دلیل حساسیت ویژه‌ی خلفای عباسی نسبت به امام عسکری (ع) چه بود؟

## اندیشه و جست‌وجو

- ۱- درباره‌ی مصادیق اثرپذیری خلافت عباسیان از حکومت ساسانیان مطلبی تهیه کنید.
- ۲- درباره‌ی شاگردان امام جعفر صادق (ع) و مقام علمی آنان گزارشی بنویسید.
- ۳- درباره‌ی آثار حضور امام رضا (ع) در ایران و ارتباط نزدیک آن حضرت با مردم ایران مطلبی تهیه کنید.